

فراخوان

برای مداخله‌ی مشترک جهت سامان‌یابی سیاسی لایه‌ی کمونیست طبقه‌ی کارگر

ما، جمعی از هواداران و اعضای سابق حزب‌ها و سازمان‌های چپ، به همراه عده‌ای از نسل جدید جنبش سوسیالیستی، پس از دوره‌ای طولانی از بحث و گفتگو، به نتایج زیر رسیده‌ایم:

تنها گزینه‌ی عملی بحران ساختاری جهان سرمایه‌داری، کمونیسم انقلابی است. اما خود جنبش کمونیستی در عرصه‌ی جهانی با بحرانی‌ترین دوران حیات خود روبروست. تناسب و توازن نیروهای بین‌المللی، طی سه دهه‌ی گذشته به طور مداوم به ضرر جنبش سوسیالیستی عمل کرده است. شکست جنبش‌های انقلابی و فروپاشی بخش مهمی از حزب‌ها و سازمان‌های چپ ابعاد این بحران را به مراتب عمیق‌تر کرد. ناکامی این مبارزه‌های انقلابی، ناتوانی سازمان‌ها و ناکارآمدی راکارهای موجود در جنبش سوسیالیستی را برجسته ساخته است. افزون بر این، تلاش‌هایی که تاکنون برای گروهبندی نوینی از کمونیست‌ها صورت پذیرفته، همگی با ناکامی روبرو بوده و برآیند موفق لازم را نداشته است. بی‌تردید تجربه‌ی این مدت نشان از ژرفای این معضل بزرگ داشته است. بدیهی است که سوسیالیسم انقلابی نیز از این بحران مصون نبوده است. تجربه نشان داده است که این بحران منحصر به یک کشور نیست و جنبه‌ای بین‌المللی و تاریخی دارد.

اما به موازات آن، مبارزه‌ی جهانی علیه "سرمایه" همچنان ادامه داشته است؛ از یک سو، در تمام این دوره، مبارزه‌ی طبقاتی به اشکال گوناگون علیه نظام سرمایه‌داری در جریان بوده است. از سوی دیگر، طی چند سال گذشته نسل جدیدی از کارگران و جوانان مبارز، خلاف جریان حرکت کرده و به جنبش سوسیالیستی گرویده‌اند. ولی متأسفانه هیچ‌یک از حزب‌ها، سازمان‌ها و تشکلهای موجود نتوانسته‌اند که این طیف بزرگ از سوسیالیست‌های "مستقل و غیرتشکیلاتی" را به گزینه‌ی برنامه‌ای و ضوابط تشکیلاتی خود جلب کنند. تجربه و آموخته‌های ما گواهی می‌دهد که تشکلهای موجود (حزب‌ها، سازمان‌ها، جبهه‌ها و اتحادهای) مجهز به "برنامه‌ی عمل" دقیق و "استراتژی" شفاف سوسیالیسم کارگری نیستند، دارای ساختاری هرمی و بوروکراتیک‌اند و به طور مداوم با ریزش نیرو مواجه هستند. این تشکلهای یا به دنباله‌روی از مبارزات طبقه‌ی کارگر می‌پردازند یا به فرقه‌های کوچک از بالا "فرمانده" و جدا از طبقه‌ی کارگر و زحمتکش‌شان تبدیل شده‌اند. این حزب‌ها و سازمان‌های به شدت بوروکراتیک، امکان فراهم کردن شرایط لازم دموکراتیک برای سازمان‌یابی اصولی طیف گسترده‌ی سوسیالیست‌های مستقل و غیرتشکیلاتی را ندارند. از آن مهم‌تر، برخی از این گروه‌ها به بهانه‌ی دفاع از سوسیالیسم، به دموکراسی اهمیت لازم را نمی‌دهند و هر حرکت مستقل طبقه‌ی کارگر و دموکراسی مستقیم زحمتکش‌شان که خارج از مجراهای تحت کنترل‌شان باشد را یا با برچسب "لیبرالی" محکوم می‌کنند یا به وارونه، تمام مفاهیم رنگ‌بافته‌ی سوسیال‌دموکراتیک مبنی بر "تقدم" دموکراسی بر سوسیالیسم را به کار می‌بندند تا مانع استقرار دموکراسی مستقیم و نطفه‌بندی سوسیالیسم انقلابی در جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اجتماعی گردند. بی‌شک از منظر مارکسیسم، بین مبارزه برای سوسیالیسم و نبرد برای دموکراسی هیچ تفاوتی نیست. به بیان فردریک انگلس: "دموکراسی امروزه کمونیسم است"؛ و به قول مانیفست کمونیست: "نخستین گام در انقلاب طبقه‌ی کارگر همانا ارتقای پرولتاریا به موقعیت طبقه‌ی حاکم و کسب پیروزی در نبرد برای دموکراسی است".

به هر روی، باید به دو مشکل اساسی برای همگرایی و سامان‌یابی سیاسی کمونیست‌های انقلابی اشاره کرد: از یک سو، عناصر مبارز و گرایش‌های رادیکال، در بیشتر این سازمان‌های سنتی وجود دارند که به ضرورت گسست از ساختار تشکیلاتی خود و پیوست و همگرایی با سایر سوسیالیست‌های انقلابی رسیده‌اند. اما برای این افراد و گرایش‌های معترض درون سازمانی، تاکنون گزینه‌ی مشخص، معتبر و کارآمدی که بیرون از مناسبات بوروکراتیک تشکیلاتی‌شان فعالیت کند، شکل نگرفته است. این افراد و گرایش‌های رادیکال به ناچار در چارچوب این تشکلهای سنتی به خردکاری یا کنش‌های بی‌حاصل ادامه می‌دهند. از سوی دیگر، باید گفت که کمونیست‌های مستقل و غیرتشکیلاتی نیز به خودی خود دارای هیچ‌گونه برتری سیاسی، فضیلت تاریخی و یا امتیاز ویژه‌ای نیستند. بی‌تردید لایه‌ی وسیعی از این طیف به مانع بازدارنده‌ی تبدیل شده که یا به انتظار "مهدی ناجی" نشسته یا مبارزه برای سامان‌یابی سیاسی طبقه‌ی کارگر را جدی نمی‌گیرد و به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کند.

به هر حال، و فراروی این دو مشکل، برای سازمان‌یابی نوین جنبش کمونیست کارگری می‌بایست در نقد نظری و سیاسی و گسست تشکیلاتی از این گونه تشکلهای سنتی، که مانع بزرگی برای همگرایی و سازمان-

یابی طیف کمونیست‌های انقلابی هستند، تلاش ورزید. بنابراین، منظور ما آن لایه از طیف کمونیست‌های مستقل و غیرتشکیلاتی است که در وهله نخست به استراتژی سازمان‌یابی سیاسی کمونیسم انقلابی پی برده و به دخالت‌گری برای مشارکت در مسیر ایجاد حزب انقلابی متشکل از کارگران سوسیالیست باور داشته باشد. از این روی، در شرایط کنونی، برای آغاز بحث و مشارکت جهت گام برداشتن در مسیری که به سامان‌یابی سیاسی طیف پراکنده‌ی کمونیست‌های انقلابی منجر شود، نیاز به ارابه و پذیرش اولیه‌ی چند پارامتر مشترک داریم. طبیعی است که تازه این آغاز کار هست و این پارامترها برای کار سترگی که در پیش رو داریم کافی نیستند. اما به هر حال، می‌توانند پیش شرط لازم برای این کار را فراهم کنند:

1. کمک جهت سامان‌یابی سیاسی پیشگام طبقه‌ی کارگر برای ایجاد پیش زمینه‌های لازم تشکیل حزب کمونیست انقلابی.
2. باور به سامان‌دهی تشکل سیاسی و انقلابی طبقه‌ی کارگر و دموکراسی درون‌حزبی (حق ایجاد گرایش Tendency، حق ایجاد جناح Faction و حق ایجاد جناح علنی Open Faction)
3. گسست از تفسیرهای فرصت‌طلبانه، اصلاح‌گرایانه، لیبرالی و بوروکراتیک از سوسیالیسم (سوسیال‌دموکراتیک و تفسیرهای سوسیالیسم از بالای نوع روسی و چینی)
4. نقد هرگونه برداشت‌های نخبه‌گرایانه، اراده‌گرایانه، فرقه‌گرایانه و جانشین‌گرایانه از کمونیسم.
5. باور به یگانه بودن دموکراسی و سوسیالیسم و مبارزه در جهت سرنگونی نظام سرمایه‌داری
6. باور به انقلاب سوسیالیستی به رهبری طبقه‌ی کارگر و استقرار جمهوری شورایی
7. مبارزه در جهت لغو کارمزدی و لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و توزیع
8. مبارزه جهت لغو هرگونه نابرابری‌های اجتماعی (رفع ستم ملی، جنسیتی، سنی، قومی، نژادی، مذهبی و عقیدتی)
9. باور به انترناسیونالیسم کمونیستی و دخالت در مبارزات بین‌المللی طبقه‌ی کارگر علیه نظام سرمایه‌داری

ما امضاکنندگان این سند، نه خود را نماینده‌ی طیف کمونیسم انقلابی می‌دانیم و نه خواهان جایگزین کردن خود به جای آن هستیم. ولی آموخته‌ایم که تشکل کمونیستی و انقلابی طبقه‌ی کارگر بدون دخالت و حضور فعال لایه‌ی پیشگام و آگاه کارگری ماهیت درست سیاسی نمی‌یابد و به معنای واقعی، دخالت موثر سوسیالیستی نمی‌کند. چرا که تجربه نشان داده است، بدون وجود این یا آن حزب، پیشگام کارگری فعالیت خود را داشته و پی‌گیرانه در صحنه‌ی مبارزات سیاسی - طبقاتی، رهبری مبارزات توده‌ی طبقه‌ی کارگر را به عهده گرفته است. ما آموخته‌ایم که برنامه‌ی انقلابی هر تشکل سوسیالیستی، برآیندی است از جمع‌بندی و مبارزه‌ی متشکل پیشگام کارگری در امور روزمره و پهنه‌ی تاریخی استراتژی مبارزه‌ی طبقاتی؛ به زبان ساده، بدون عضویت و رهبری کارگران سوسیالیست، برنامه و ساختار هر تشکل کمونیستی ناقص و ذهنی از کار درخواهد آمد.

اما واقعیت این است که پیشگامان جنبش کارگری نیز پراکنده هستند. به همین دلیل، باید برای سامان‌یابی و هماهنگی کارگران آگاه و سوسیالیست کوشید. بدون حضور فعال لایه‌ی پیشگام طبقه‌ی کارگر "حزب کمونیست" تشکلی ساختگی است و به جز تماشاگری و دنباله‌روی، تاثیری در مبارزات کل طبقه‌ی کارگر و مردم زحمتکش و ستمدیده علیه "سرمایه" نخواهد داشت.

بدین سان، عاجل‌ترین وظیفه و استراتژی بنیادین تمام سوسیالیست‌های انقلابی یاری رساندن و دخالت‌گری در مسیری است که به سامان‌یابی کارگران پیشرو و مبارز، و تدوین برنامه‌ی انقلابی - سوسیالیستی منجر شود. گرچه این کاری است بس دشوار ولی راه دیگری وجود ندارد! برای رسیدن به چنین هدفی، کمونیست‌های مستقل و غیرتشکیلاتی می‌بایست پیش از هر اقدامی، به سامان‌دهی خود بپردازند. هدف از انتشار پارامترهای کلی که به آن‌ها اشاره شد، پیش از هر چیز، غلبه بر پراکندگی این طیف است. ما خود بیان می‌داریم که پارامترهای برشمرده در این سند برای دستیابی به برنامه‌ی عمل انقلابی و سامان‌یابی طیف کمونیست‌های مستقل و پراکنده کافی نیستند. اما برای شناسایی و یافتن کمونیست‌های هم‌فکر، آغاز بحث، تدوین برنامه‌ی عمل، مداخله‌ی عملی، نظری و گسترش فرهنگ سوسیالیسم از پایین و گام‌نهادن در مسیر انقلابی جنبش سوسیالیسم کارگری از جمله شروط لازم و ضروری‌اند. بدیهی است که تبیین، تدقیق

و تدوین مسایل اساسی تشکیلاتی، نظری و برنامه‌ای در یک فرایند همگرایی و سامان‌یابی مشترک براساس پولاریسم کمونیستی امکان‌پذیر خواهد بود. انتشار نشریه‌ی الکترونیکی و برگزاری سمینارهای محلی و سراسری پیش‌زمینه‌ی لازم بحث و تبادل نظر برای تحقق این پروژه را فراهم خواهند ساخت.

آبان 1387 – نوامبر 2008

بهروز برومند، سیروس بینا، پیمان جهان‌دوست، نظام جلالی، ساسان دانش، نهال رستمی، فتحی شمس، بهرام صحرائی، صادق طبرستانی، بهزاد کاظمی، آرش کمانگیر، سیاوش کوه‌رنگ، محمد مرادی، باقر مومنی، هادی میثروی، حامد نظری (کاوه)، سحر نویدی، وحید ولی‌زاده و ...

رفقای که با اهداف و اصول سند فوق موافق هستند یا پرسش‌هایی دارند می‌توانند با آدرس الکترونیکی زیر تماس بگیرند:

آدرس الکترونیکی: farakhancomonisti@yahoo.com